

# نقش بدررفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی پرخاشگری بزرگسالی با واسطه‌گری

## صفات مرضی شخصیت

### The Role of Childhood Affective Maltreatments in Predicting Adulthood Aggression with the Mediating Role of Personality Pathological Traits

بهناز شیدعبرانی<sup>۱</sup>، علیرضا گل<sup>۲</sup>، زهرا طیبی<sup>۳\*</sup>، فاطمه فرهادیان<sup>۴</sup>، سید سجاد نامور طباطبایی<sup>۵</sup>

#### چکیده

**مقدمه:** هدف این مطالعه بررسی مؤلفه‌هایی است که با پرخاشگری مرتبط هستند. در این مطالعه، نقش بدررفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی پرخاشگری بزرگسالی با واسطه‌گری صفات مرضی شخصیت مورد بررسی قرار گرفت.

**روش:** این پژوهش در چهارچوب طرح همبستگی است و جامعه آماری شامل تمام افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال می‌شود. نمونه پژوهش حاضر ۲۶۶ نفر می‌باشد که به صورت در دسترس انتخاب گردید. آزمودنی‌ها، پرسش‌نامه‌های پرخاشگری باس - پری (AQ)، پرسشنامه شخصیت براساس-DSM-5 (PID-5) و تجارب دوره زندگی (LEQ) را به صورت داوطلبانه تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای آماری AMOS (نسخه ۲۱) و SPSS (نسخه ۲۱) و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، ضریب رگرسیون و تحلیل مسیر انجام گرفت.

**یافته‌ها:** اثر مستقیم ترکیب متغیرهای بدررفتاری‌های عاطفی بر ترکیب متغیرهای صفات مرضی ۰/۲۲، اثر مستقیم ترکیب متغیرهای بدررفتاری‌های عاطفی بر پرخاشگری ۰/۲۴ و اثر مستقیم ترکیب متغیرهای صفات مرضی بر پرخاشگری ۰/۶۴ بود. براساس آزمون تی مسیره‌های غیرمستقیم مدل معنادار می‌باشد و این حاکی از معنی داری نقش واسطه‌ای صفات مرضی در ارتباط بین بدررفتاری‌های عاطفی دوران کودکی و پرخاشگری بزرگسالی است.

**نتیجه‌گیری:** از یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدل علی نقش میانجی صفات مرضی شخصیت در رابطه میان بدررفتاری‌های عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دوران بزرگسالی تایید می‌شود. یعنی صفات مرضی شخصیت، رابطه میان تجارب منفی کودکی و پرخاشگری را تحت تاثیر قرار می‌دهد و بدررفتاری‌های عاطفی دوران کودکی به همراه نقش واسطه‌ای صفات مرضی شخصیت می‌تواند پرخاشگری را در بزرگسالی پیش‌بینی کند.

**کلمات کلیدی:** بدررفتاری عاطفی، پرخاشگری، صفات مرضی

#### Abstract:

**Objectives:** the aim of this study is assessing the components, which are related to aggression. In this study, the role of childhood emotional (affective) maltreatments was investigated in predicting adulthood aggression with the mediating role of personality pathological traits.

**Methods:** this investigation was done in the framework of correlational design (structural equation). Statistical population includes all people aged 18-50 years old. The sample of this study is 266 persons who were chosen in access (not random). Participants did the Aggression Questionnaire (AQ), Personality Inventory for DSM-5 (PID-5) and the Lifetime of Experiences Questionnaire (LEQ) voluntarily. For analyzing data, SPSS and AMOS

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران behnaz.sh454@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران golalireza7@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران tabibi@um.ac.ir

<sup>۴</sup> کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران fatmeh.farhadian63@gmail.com

<sup>۵</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران sajjad.namvar@mail.um.ac.ir

(version 21) software and Pearson correlation and regression coefficient and path analysis as statistical tests were used in this study.

**Results:** direct effect of childhood emotional maltreatment variables on pathological traits variables is 0.22 and the direct effect of childhood emotional maltreatment variables on aggression is 0.24 and direct effect of pathological traits variables on aggression is 0.64. Based on T test, indirect paths of model is significant. Thus the mediating role of personality pathological traits in relationship between childhood affective maltreatments and adulthood aggression.

**Conclusions:** it can be concluded that the mediating role of personality pathological traits is confirmed in relationship between childhood affective maltreatments and adulthood aggression. Thus, personality pathological traits can influence the relationship between childhood negative experiences and aggression and childhood emotional (affective) maltreatment with the mediating role of personality pathological traits can predict aggression in adults.

**keywords:** affective maltreatment, aggression, pathological traits

#### مقدمه

امروزه خشونت و پرخاشگری به عنوان یک معضل بزرگ جهانی در نظر گرفته شده و آثار مخرب روانی و جسمانی آن در سطوح فردی و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (ابوالمعالی و موسی زاده، ۱۳۸۹). بررسی آمار و مطالعات نشان می دهد که در چند دهه اخیر خشم و پرخاشگری افزایش یافته است و شواهد تجربی زیادی آثار مخرب خشم را در روابط انسانی نشان داده اند (ویتلی<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). از دید روان شناختی، پرخاشگری به عنوان رفتاری با هدف صدمه زدن، اذیت کردن و یا آسیب رساندن به فرد دیگر تعریف شده است (هارت و استرو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۳). شارما<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) معتقد است پرخاشگری انواع متفاوتی مانند پرخاشگری فیزیکی، کلامی، غیرمستقیم و اجتماعی دارد. همچنین باس و پری<sup>۴</sup> (۱۹۹۲) نشان داده اند که پرخاشگری انسان دارای ابعاد و جنبه های فراوانی است: ۱. بعد ابزاری یا حرکتی: این بعد به شکل پرخاشگری کلامی و جسمانی، نمایان می گردد و هدف اصلی آن رساندن آسیب و زیان به دیگران است. ۲. بعد عاطفی و هیجانی: این بعد از پرخاشگری که به صورت خشم بروز می کند، عوامل و شرایط درونی ارگانیزم را برای برانگیختگی فیزیولوژیک و هیجانی آماده می سازد، بعدی که وظیفه ی تدارک و آماده سازی رفتار پرخاشگرانه را بر عهده دارد. ۳. بعد شناختی: این عامل که خصومت نام دارد، سبب ایجاد احساس غرض ورزی، دشمنی و کینه توزی نسبت به دیگران می شود. بنابراین، رفتار پرخاشگرانه ی انسان در یک سازه کلی ریشه دارد. سازه ای که در سطح می تواند به صورت خشم، خصومت، پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری کلامی نمایان گردد.

دودگ و پتیت<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) پیشنهاد می کنند که پرخاشگری باید در یک چشم انداز زیستی- روانی- اجتماعی بررسی شود، به این معنا که گرایش زیستی و زمینه ی اجتماعی- فرهنگی، ریسک تمایلات پرخاشگرانه در افراد را افزایش می دهد و در این بین، تجارب زندگی نقش میانجی را ایفا می کند. ژنتیک و عوامل اجتماعی- فرهنگی احتمال درگیر شدن کودکان در فعالیت های پرخاشگرانه و مجرمانه را افزایش می دهد و از طرفی، فرزندپروری ناکارآمد والدین و تجارب منفی زندگی، نقش میانجی را در ارتباط بین عوامل زیستی و فرهنگی- اجتماعی با پرخاشگری بازی می کند (دودگ و پتیت، ۲۰۰۳). فرآیند فرزندپروری یکی از برجسته ترین پیش بینی ها برای مقدمات پرخاشگری است (ازدمیر، وازسونی و کوک<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). بدرفتاری های دوران کودکی منجر به پیامدهای مخرب مهمی می شود. این پیامدها شامل مشکلات دلبستگی، مشکلات سلامت ذهنی، مشکلات رفتاری، نرخ بالای پرخاشگری، اختلال در مهارت های ارتباطی و اجتماعی (ناوتون<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). در مطالعات اخیر تمرکز بر پیامدهای بالقوه بدرفتاری های دوران کودکی به خصوص شکل گیری پرخاشگری در بزرگسالی، توجه زیادی شده است. این پیامدها ممکن است شدید باشند. بدرفتاری های دوران کودکی شامل سوء استفاده عاطفی، فیزیکی، جنسی و همچنین غفلت عاطفی و فیزیکی می شود. سوء استفاده عاطفی به حملات کلامی و یا رفتاری شخص بزرگسالی اشاره دارد که باعث تحقیر کودک می شود و یا احساس ارزشمندی و رفاه کودک را سلب می کند. غفلت عاطفی

<sup>1</sup> Wheatley

<sup>2</sup> Hart & Ostrov

<sup>3</sup> Sharma

<sup>4</sup> Buss & Perry

<sup>5</sup> Dodge & Pettit

<sup>6</sup> Ozdemir, Vazsonyi & Cok

<sup>7</sup> Naughton

با ناکامی مراقبان کودک در برآوردن نیازها و هیجانان اصلی کودک همانند دوست داشتن، تعلق، صمیمیت و حمایت مشخص می شود (برنستین<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). بدرفتاری‌های دوران کودکی ارتباط نیرومندی با مشکلات بعدی بزرگسالی همانند افسردگی، اضطراب، استرس پس از حادثه و مشکلات ارتباطی دارد (تریکت، نول و پاتنام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). همچنین مطالعات نشان داده‌اند، بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی پیامدهای شدید و پایدار روان‌شناختی مانند احساس شرم، حقارت، خشم، بی‌ارزشی، بازداری هیجانی (هارپر و اریاس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴؛ کراوس، مندلسون و لینچ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳)، اختلالات خلقی، اضطراب، عزت نفس پایین، حساسیت در روابط بین فردی، اختلالات خوردن و اختلالات شخصیت (هاند و اسپلج<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶؛ کنت و والر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰؛ میلز، نیومن، کاسر و مورای<sup>۷</sup>، ۲۰۱۵؛ وایت، انگلیش، تامپسون و رابرتس<sup>۸</sup>، ۲۰۱۵) در پی خواهد داشت. براساس پژوهش فانگ و کورسو<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) ارتباط معنادار بین بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی و خشونت بزرگسالی به اثبات رسیده است. مردان یا زنانی که سابقه بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی داشته‌اند، نسبت به بزرگسالانی که سابقه سوء استفاده و غفلت نداشتند، به احتمال بیشتری دست به خشونت می‌زنند و سطوح بالاتر عصبانیت و خصومت را گزارش می‌کنند. در کل مطالعات مختلف ارتباط معناداری را بین بدرفتاری‌های دوران کودکی و پرخاشگری پیدا کرده‌اند و و پیشنهاد داده‌اند که این تجارب، نقش مهمی را در تداوم پرخاشگری بین نسلی بازی می‌کنند (کالوت و اورو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۳). همچنین پرخاشگری با مؤلفه‌های شخصیتی در ارتباط است (اندرسون و بوشمن<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۲)؛ یعنی زیرساخت پرخاشگری، مؤلفه‌های شخصیتی افراد است و شناسایی مؤلفه‌هایی که با پرخاشگری ارتباط دارند، اهمیت زیادی دارد (بشیری، ۱۳۸۷). مدل‌های مختلفی برای تعریف و دسته‌بندی‌های مؤلفه‌های شخصیتی وجود دارد. یکی از جدیدترین مدل‌های ارائه شده برای شخصیت، مدل ابعادی صفات مرضی شخصیت است که در بخش سوم آخرین ویراست راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات روانی (DSM-5) آورده شده است. مدل صفات مرضی شخصیت در DSM-5 شامل پنج حیطه گسترده است که ابعاد مرتبه بالاتر صفات شخصیت می‌باشند. صفت شخصیتی، یک گرایش برای احساس، ادراک، رفتار و فکر کردن به شیوه‌ای نسبتاً ثابت در زمان‌ها و موقعیت‌های مختلفی است که ممکن است آن صفت در آن بروز پیدا کند. صفات شخصیتی حالت ابعادی دارند و در این مدل، تمرکز بر صفات شخصیتی مرتبط با آسیب‌شناسی روانی است (انجمن روانپزشکی آمریکا<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۳). صفات شخصیتی مرضی عبارتند از: عاطفه منفی (تجربه‌های مکرر و شدید سطح بالایی از طیف وسیع احساسات منفی)، گسستگی (اجتناب از تجربه‌های اجتماعی عاطفی)، خصومت مرضی (انجام رفتارهایی که فرد را در مخالفت با دیگران قرار می‌دهد)، مهارگسیختگی (گرایش به سمت رفتارهای تکانشی و ارضاء فوری) و روان‌پریشی (طیف گسترده‌ای رفتار و افکار که از نظر فرهنگی عجیب و غیر معمول محسوب می‌شود) (کرونگر و مارکن<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۴). این پنج حوزه‌ی گسترده، گونه‌های غیر انطباقی پنج حوزه مدل شخصیتی معتبر و تکرار شده موسوم به مدل پنج عامل بزرگ یا مدل پنج عامل شخصیت (FFM<sup>۱۴</sup>) بوده است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). هدف پژوهش حاضر این است که نقش میانجی صفات مرضی شخصیت را در ارتباط بین بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی و پرخاشگری بزرگسالی مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی می‌تواند پرخاشگری را با میانجی‌گری صفات مرضی شخصیت پیش‌بینی کند؟ با توجه به توضیحات فوق، مدل پیشنهادی بصورت شکل شماره ۱ ارائه شده است:

<sup>1</sup> Bernstein

<sup>2</sup> Trickett, Noll & Putnam

<sup>3</sup> Harper & Arias

<sup>4</sup> Krause, Mendelson & Lynch

<sup>5</sup> Hund & Espelage

<sup>6</sup> Kent & Waller

<sup>7</sup> Mills, Newman, Cossar & Murray

<sup>8</sup> White English Thompson Roberts

<sup>9</sup> Fang & Corso

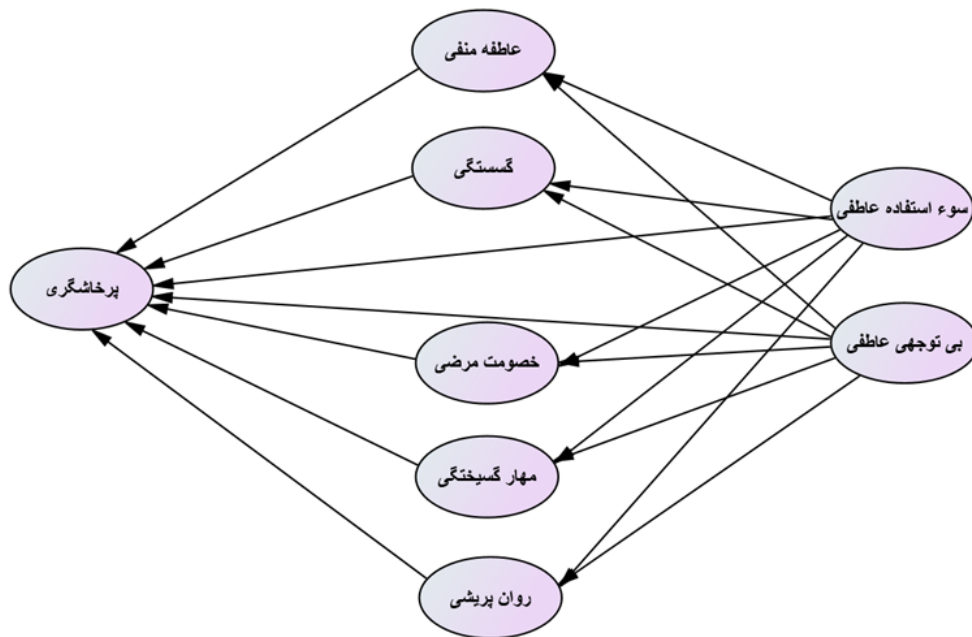
<sup>10</sup> Calvete & Orue

<sup>11</sup> Anderson & Bushman

<sup>12</sup> American Psychiatric Association

<sup>13</sup> Krueger & Markon

<sup>14</sup> five-factor model



شکل شماره ۱: مدل پیشنهادی

## روش

از آنجا که هدف ارزیابی مدل علی است و همچنین داده های مورد نیاز از یک جامعه جمع آوری شده است، روش تحقیق همبستگی انتخاب شده است. جامعه هدف شامل تمام افراد بین ۱۸ تا ۵۰ سال می باشد، جامعه آماری پژوهش حاضر دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و موسسات آموزش عالی شهرستان مشهد بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران در سطح ۵ درصد ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. انتخاب آزمودنی ها بصورت داوطلبانه بود. بعد از کنار گذاشتن پرسشنامه های ناقص، داده های ۲۶۶ نفر مورد تحلیل آماری قرار گرفت. در مدل مفهومی ارائه شده از الگوی معادلات ساختاری استفاده شد. الگویابی معادلات ساختاری یک روش تحلیل چند متغیری نیرومند است که از طریق آن می توان به آزمون فرضیه هایی درباره روابط علی بین متغیرهای مستقل و وابسته پرداخت. برای تحلیل داده ها از آمار توصیفی (محاسبه میانگین، انحراف معیار، همبستگی های مرتبه صفر پیرسون و رگرسیون همزمان) استفاده شد. سپس تحلیل های مربوط به مفروضه های زیربنایی الگویابی معادلات ساختار انجام گرفت. همچنین تحلیل های پیچیده تر برای ارزیابی مدل پیشنهادی انجام شد که همگی از طریق الگویابی معادلات ساختاری با استفاده از روش آماری برآورد حداکثر درست نمایی اعمال شدند. آزمودنی ها پرسش نامه های پرخاشگری باس - پری (AQ)، پرسشنامه شخصیت برای DSM5 (PID-5) و پرسش نامه تجارب دوره زندگی (LEQ) را به صورت داوطلبانه تکمیل کردند و برای ایجاد انگیزه برای پر کردن و صحت داده ها، تفسیر پرسش نامه ها به صورت مفصل برای یکایک آنها ارسال گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزارهای آماری AMOS (نسخه ۲۱) و SPSS (نسخه ۲۱) و آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون، ضریب رگرسیون و تحلیل مسیر انجام گرفت. میزان P کمتر از ۰/۰۵ معنی دار در نظر گرفته شد.

**پرسشنامه شخصیت براساس DSM-5 (PID-5):** یک فرم خود گزارشی است که ۵ بعد اصلی شخصیت مرضی از راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی ویرایش پنجم را مورد ارزیابی قرار می دهد. این پرسشنامه توسط کرونگر و همکاران در سال ۲۰۱۲ ساخته شد. ۵ بعد اصلی شخصیت

که در پرسشنامه مورد سنجش قرار می گیرد، شامل عاطفه منفی<sup>۱</sup>، گسستگی<sup>۲</sup>، خصومت مرضی<sup>۳</sup>، مهارگسیختگی<sup>۴</sup> و روان‌پریشی<sup>۵</sup> می‌شود. آلفای کرونباخ برای PID-5 در بازه ای بین ۰/۶۸ تا ۰/۹۵ با میانه ۰/۸۵ می باشد (گریفین و ساموئل<sup>۶</sup>، ۲۰۱۴). در این پژوهش از فرم ۲۵ سوالی این پرسشنامه استفاده می شود. دامنه آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر در خرده مقیاس ها بین ۰/۷ تا ۰/۶۸ به دست آمد.

**پرسشنامه پرخاشگری باس - پری (AQ<sup>۷</sup>):** این پرسشنامه دارای ۲۹ آیتم است و چهار عامل مختلف شامل پرخاشگری کلامی (۵ پرسش)، پرخاشگری جسمانی (۹ پرسش)، خشم (۷ پرسش)، خصومت (۸ پرسش) را مورد سنجش قرار می‌دهد. پاسخ های شرکت کنندگان به هر ماده روی یک مقیاس پنج نقطه‌ای از ۱ (اصلاً مرا توصیف نمی‌کند) تا ۵ (کاملاً مرا توصیف می‌کند) درجه‌بندی شده است. نتایج تحلیل روانسنجی نشان داده است که این پرسشنامه از همسانی درونی بالایی (۰/۸۹) برخوردار است. همچنین همبستگی زیر مقیاس‌های این پرسشنامه با یکدیگر و با کل مقیاس که بین ۰/۲۵ تا ۰/۴۵ متغیر است، بیانگر روایی مناسب این ابزار بوده است (باس و پری، ۱۹۹۲). در تحقیقی که توسط محمدی (۱۳۸۵) بر روی این پرسشنامه انجام شد، اعتبار پرسشنامه‌ی پرخاشگری با استفاده از سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و تصنیف محاسبه شد که به ترتیب ضرایب ۰/۸۹، ۰/۷۸ و ۰/۷۳ به دست آمد.

**پرسشنامه تجارب دوره‌ی زندگی (LEQ<sup>۸</sup>):** این پرسشنامه توسط گیب<sup>۹</sup> و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده است و ۸۲ آیتم آن برای سنجش تجارب سوءاستفاده و بی‌توجهی جسمی، سوءاستفاده و بی‌توجهی عاطفی و سوءاستفاده جنسی در کودکی قبل از سن ۱۵ سالگی طراحی شده است. LEQ دامنه‌ی گسترده‌ای از انواع تجارب بدرفتاری‌های را می‌سنجد و این مقیاس و زیرمقیاس‌های آن همسانی درونی و اعتبار پیش‌بین خوبی را نشان می‌دهند (گیب و همکاران، ۲۰۰۱). این پرسشنامه ۵ زیرمقیاس دارد که عبارتند از: سوءاستفاده جسمی (۱۱ آیتم)، بی‌توجهی جسمی (۶ آیتم)، سوءاستفاده عاطفی (۲۷ آیتم)، بی‌توجهی عاطفی (۱۲ آیتم) و سوءاستفاده جنسی (۲۶ آیتم). گیب و همکاران (۲۰۰۱) آلفای کرونباخ این ابزار را ۰/۸۹ گزارش کرده است. آلفای کرونباخ خرده مقیاس بدرفتاری‌های عاطفی در نمونه ایرانی ۰/۹۲ بدست آمده است (فرازمند، محمدخانی، پور شهباز و دولت شاهی، ۱۳۹۶).

## یافته‌ها

تعداد اعضای شرکت کننده در این پژوهش ۲۶۶ نفر بود. میانگین سنی شرکت کنندگان ۲۶/۵۵ و انحراف استاندارد آن ۸/۲۲ بود. از بین شرکت کنندگان ۱۱۸ نفر (معادل ۴۴/۴ درصد) مرد و ۱۴۸ نفر (معادل ۵۵/۶ درصد) زن بودند. ۳/۸ درصد شرکت کنندگان دارای مدرک سیکل (۱۰ نفر)، ۱۹/۹ درصد مدرک دیپلم (۵۳ نفر)، ۴/۹ مدرک فوق دیپلم (۱۳ نفر)، ۴۸/۵ درصد مدرک لیسانس (۱۲۹ نفر)، ۲۰/۷ مدرک فوق لیسانس (۵۵ نفر) و ۲/۳ درصد (۶ نفر) دارای مدرک تحصیلی دکتری بودند. برای بررسی ارتباط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (جدول ۱)

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
عاطفه منفی	۴/۰۱	۲/۶۴
گسستگی	۴/۲۱	۲/۸۴
خصومت مرضی	۶/۰۱	۲/۱۱
مهارگسیختگی	۴/۰۵	۲/۸۷
روانپریشی	۵/۶۹	۳/۱۳

<sup>1</sup> negative affectivity

<sup>2</sup> detachment

<sup>3</sup> antagonism

<sup>4</sup> disinhibition

<sup>5</sup> psychoticism

<sup>6</sup> Griffin & Samuel

<sup>7</sup> Aggression Questionnaire

<sup>8</sup> Lifetime of Experiences Questionnaire

<sup>9</sup> Gibb

پرخاشگری کلامی	۱۰/۴۹	۳/۶۴
پرخاشگری جسمانی	۲۳/۶۴	۶/۹۱
خشم	۱۴/۹۴	۴/۸۷
خصومت	۲۱/۵۳	۵/۷۴
بی توجهی عاطفی	۹/۲۰	۸/۳۶
سوء استفاده عاطفی	۲۲/۹۰	۲۱/۲۵

ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش (جدول ۲)

متغیرهای پژوهش	عاطفه منفی	گستگی	خصومت مرضی	مهار گسیختگی	روانپرسی	پرخاشگری بدنی	پرخاشگری کلامی	خشم	خصومت	بی توجهی عاطفی	سوء استفاده عاطفی
عاطفه منفی	۱										
گستگی	۰/۲۰**	۱									
خصومت مرضی	۰/۲۵**	۰/۱۴	۱								
مهار گسیختگی	۰/۴۴**	۰/۳۲**	۰/۳۰**	۱							
روانپرسی	۰/۳۶**	۰/۴۲**	۰/۳۳**	۰/۴۰**	۱						
پرخاشگری بدنی	۰/۵۰**	۰/۲۰**	۰/۲۰**	۰/۵۰**	۰/۳۰**	۱					
پرخاشگری کلامی	۰/۳۱**	۰/۱۳	۰/۲۳**	۰/۴۵**	۰/۳۴**	۰/۶۹**	۱				
خشم	۰/۴۳**	۰/۰۸	۰/۱۱	۰/۴۹**	۰/۲۶**	۰/۷۷**	۰/۳۳**	۱			
خصومت	۰/۴۱**	۰/۰۲	۰/۲۱**	۰/۴۹**	۰/۲۹**	۰/۷۰**	۰/۶۳**	۰/۶۹**	۱		
بی توجهی عاطفی	۰/۱۶*	۰/۲۵**	۰/۱۵*	۰/۲۸**	۰/۲۰**	۰/۳۶**	۰/۳۲**	۰/۲۷**	۰/۲۶**	۱	
سوء استفاده عاطفی	۰/۲۲**	۰/۳۱**	۰/۱۱	۰/۳۲**	۰/۲۶**	۰/۴۴**	۰/۳۵**	۰/۳۴**	۰/۳۲**	۰/۲۶**	۱

\* معادل  $P < 0.05$ , \*\* معادل  $P < 0.01$

بر اساس نتایج جدول ۲، ارتباط اکثر متغیرها با هم معنادار بود اما نتایج نشان داد که متغیر گسستگی با متغیرهای خصومت مرضی، پرخاشگری بدنی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت ارتباط معناداری ندارد.

پس از اجرای تحلیل مسیر، مدل تجربی و قابل استفاده به دست آمد. برای تعیین کفایت برازندگی مدل پیشنهادی با داده ها، ترکیبی از شاخص های برازندگی مانند کای اسکوتر (مربع خ)،  $p$  value، RMSEA (شاخص ریشه ی دوم برآورد واریانس خطای تقریب)، NFI، TLI، PCLOSE، CFI (شاخص برازش تطبیقی) و IFI (شاخص برازش افزایشی)، میزان برازش مدل را مورد بررسی و تأیید قرار داد. همانگونه که در جدول ۳ نشان می دهد الگوی پیشنهادی با توجه به شاخص های برازندگی دارای برازش خیلی خوب است.

شاخص های برازش مدل (جدول شماره ۳)

شاخص	X <sup>2</sup> /df	P	CFI	NFI	TLI	IFI	RMSEA	PCLOSE
------	--------------------	---	-----	-----	-----	-----	-------	--------

مقدار	۱/۳۳	۰/۰۹	۰/۹۸	۰/۹۵	۰/۹۸	۰/۹۸	۰/۰۳	۰/۸۰
-------	------	------	------	------	------	------	------	------

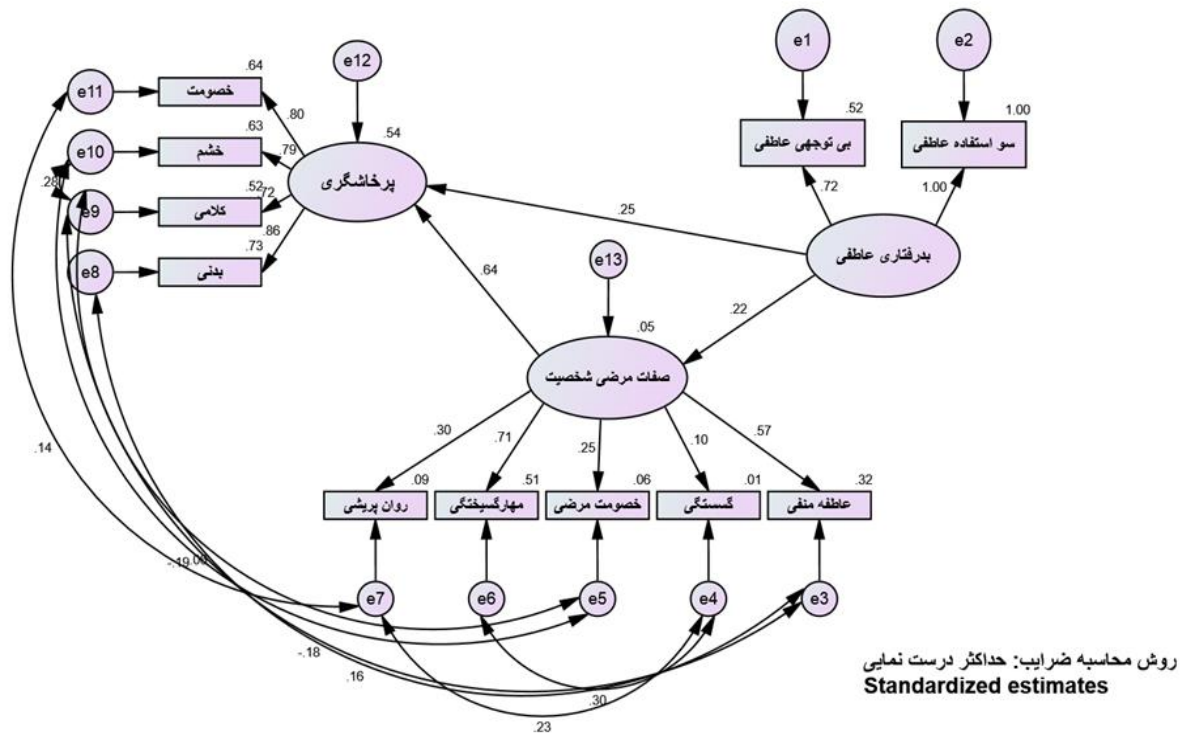
مدل ساختاری مورد آزمون و مدل های اندازه گیری پژوهش که شامل ضرایب رگرسیون یا بارهای عاملی رابطه متغیرهای پنهان و مشاهده شده است در شکل شماره ۲ آمده است. ضرایب مسیر در این شکل، حاکی از معنادار بودن مسیرهای مستقیم مربوط به مدل های اندازه گیری است که نشانه معرف بودن همه زیر مقیاس های متغیرها برای متغیر مربوطه است. در جدول ۴ ضرایب مسیر مدل های اندازه گیری به همراه مقدار t آمده است.

ضرایب رگرسیون (جدول شماره ۴)

متغیرهای مشاهده شده	صفات مرضی شخصیت	بدرفتاری های عاطفی	پرخاشگری
عاطفه منفی	۰/۵۶(S)*		
گسستگی	۰/۰۹(۱/۱۸)**		
خصومت مرضی	۰/۲۴(۳/۲۱)*		
مهارجسینختگی	۰/۷۱(۶/۲۵)*		
روان پریشی	۰/۳۰(۳/۸۰)*		
بی توجهی عاطفی		۰/۷۲(S)*	
سوء استفاده عاطفی		۱/۰۰(۱۷/۰۰)*	
پرخاشگری بدنی			۰/۸۵(S)*
پرخاشگری کلامی			۰/۷۱(۱۲/۳۷)*
خشم			۰/۷۹(۱۴/۱۲)*
خصومت			۰/۷۹(۱۴/۵۲)*

\* معادل  $P < 0.05$  \*\* معادل  $P > 0.05$

اعداد داخل پرانتز مقادیر آزمون t است.  $S =$  مقیاسی است که در آن، آزمون t محاسبه نشده است. معمولا در الگوی معادلات ساختاری یکی از نشانگرها به عنوان مقیاس انتخاب می شود.



شکل شماره ۲: مدل نهایی آزمون شده

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد اثرات مستقیم مسیرها در جدول ۵ آمده است.

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد اثرات مستقیم (جدول شماره ۵)

مسیرها	برآورد استاندارد	برآورد غیر استاندارد	سطح معناداری
بدرفتاری‌های عاطفی بر صفات مرضی	۰/۲۲۴	۰/۰۵۹	۰/۰۰۵
بدرفتاری‌های عاطفی بر پرخاشگری	۰/۲۴۶	۰/۲۳۹	۰/۰۰۰
صفات مرضی بر پرخاشگری	۰/۶۴۱	۲/۳۶۳	۰/۰۰۰

بر اساس نتایج تحلیل برای مدل پیشنهادی در جدول ۸، اثر مستقیم ترکیب متغیرهای بدرفتاری‌های عاطفی بر ترکیب متغیرهای صفات مرضی ۰/۲۲، اثر مستقیم ترکیب متغیرهای بدرفتاری‌های عاطفی بر پرخاشگری ۰/۲۴ و اثر مستقیم ترکیب متغیرهای صفات مرضی بر پرخاشگری ۰/۶۴ بود. ضرایب استاندارد و غیر استاندارد اثرات غیر مستقیم در جدول ۶ ارائه شده است.

ضرایب استاندارد و غیر استاندارد اثرات غیر مستقیم مدل (جدول شماره ۶)

مسیرها	برآورد استاندارد	برآورد غیر استاندارد	سطح معناداری
بدرفتاری‌های عاطفی به پرخاشگری از طریق صفات مرضی	۰/۱۴۰	۰/۱۴۴	۰/۰۰۰
بدرفتاری‌های عاطفی به پرخاشگری بدنی از طریق صفات مرضی	۰/۳۷۹	۰/۳۳۴	۰/۰۰۰



۰/۰۰۰	۰/۲۸۱	۰/۱۷۴	بدرفتاری‌های عاطفی به پرخاشگری کلامی از طریق صفات مرضی
۰/۰۰۰	۰/۳۱۰	۰/۲۴۵	بدرفتاری‌های عاطفی به خشم از طریق صفات مرضی
۰/۰۰۰	۰/۳۱۱	۰/۳۰۶	بدرفتاری‌های عاطفی به خصومت از طریق صفات مرضی

همانگونه که در جدول ۶ نیز گزارش شده است مسیرهای غیرمستقیم مدل معنادار می باشد و این حاکی از معنی داری نقش واسطه ای صفات مرضی در ارتباط بین بدرفتاری‌های عاطفی و پرخاشگری است.

### بحث

هدف این پژوهش ارزیابی مدل علی نقش میانجی صفات مرضی شخصیت در رابطه میان بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری بزرگسالی است. یافته های این پژوهش نشان داد که صفات مرضی شخصیت نقش میانجی در رابطه میان بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دارد، در نتیجه مدل پیشنهادی این پژوهش تایید گردید. تحقیقات گذشته ارتباط بین تجارب بدرفتاری‌های دوران کودکی را با پرخاشگری بزرگسالی نشان داده بود، البته در این مطالعه تاکید بر تجارب بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی بوده است. همچنین در این مطالعه نقش صفات مرضی شخصیت به عنوان میانجی این ارتباط تایید شد. به دلیل جدید بودن مدل صفات ابعادی شخصیت، تحقیقات کمی در مورد صفات مرضی شخصیتی صورت گرفته است و تحقیقات قبلی در مورد پنج عامل بزرگ (FFM) انجام شده بودند که در واقع ابعاد مخالف این صفات مرضی هستند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳). یافته های این مطالعه با پژوهش های کالوت و اورو، ۲۰۱۳؛ اتکینسون، ۲۰۱۷<sup>۱</sup>؛ آگان و کمپل<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹؛ مارکی<sup>۳</sup> و مارکی، ۲۰۱۰ همسو است.

یافته ها نشان داد که هر چه فرد در دوران کودکی بدرفتاری‌های عاطفی بیشتری را تجربه کرده باشد، در بزرگسالی میزان پرخاشگری بالاتری را دارد. در بین چهار سطح پرخاشگری، بیشترین ارتباط بین پرخاشگری بدنی و سوء استفاده عاطفی است. سوء استفاده عاطفی به هرگونه اعمال نمادین یا اظهارات شفاهی عمدی از سوی والد یا مراقب کودک اطلاق می شود که به آسیب چشمگیر روانشناختی کودک منجر می شود و یا منطقی می تواند به چنین آسیبی منجر شود (سوء استفاده جنسی و جسمی در این حوزه قرار نمی گیرد). نمونه هایی از این سوء استفاده عاطفی با کودک عبارتند از: پرخاشگری، انتقاد، تحقیر، تهدید و صدمه زدن به اشیایی که برای کودک اهمیت دارد. تجربه ی بدرفتاری‌های عاطفی در دوران کودکی منجر به شکل گیری الگوهایی در فرد می شود که در سرتاسر طول زندگی ادامه می یابد. این الگوها در روانشناسی شخصیت با نام صفات مرضی شخصیت شناخته می شود. صفات مرضی شخصیت، یک گرایش برای احساس کردن، ادراک کردن، رفتار کردن و فکر کردن به شیوه ای نسبتاً ثابت در زمان ها و موقعیت های مختلفی است که ممکن است آن صفت در آن ها بروز کند. صفات مرضی شخصیت حالت ابعادی دارند. با توجه به تاکید راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5) به رویکرد ابعادی صفات شخصیت، در این پژوهش همچنین نقش صفات مرضی شخصیت در ارتباط با سطوح پرخاشگری را نیز بررسی کردیم. صفت مرضی مهارگسیختگی بیشترین ارتباط را با هر چهار سطح پرخاشگری داشت. مهارگسیختگی به معنی گرایش به ارضای فوری منجر به رفتار تکانشگرانه است که به وسیله افکار و احساسات فعلی و محرک های بیرونی بدون توجه به یادگیری های گذشته یا در نظر گرفتن پیامد های آینده هدایت می شود. این صفت چهار وجه فرعی دارد که شامل عدم مسئولیت پذیری، تکانشگری، حواس پرتی و خطر پذیری است. افرادی که در این صفت نمره بالایی می گیرند نمی توانند برانگیختگی های خود را به نحوه جامعه پسندی کنترل و قوانین و هنجارها رعایت کنند (انیسی، مجیدیان، جوشانلو و گوهری کامل، ۱۳۹۰). در نتیجه در به تاخیر انداختن تکانه های پرخاشگرانه مشکل دارند.

بطور کلی از یافته های این پژوهش می توان نتیجه گرفت که مدل علی نقش میانجی صفات مرضی شخصیت در رابطه میان بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی با پرخاشگری دوران کودکی تایید می شود. پس صفات مرضی شخصیت، رابطه میان تجارب منفی کودکی و پرخاشگری را تحت تاثیر

<sup>1</sup> Atkins

<sup>2</sup> Egan & Campbell

<sup>3</sup> Markey

قرار می‌دهد و بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی به همراه نقش واسطه‌ای صفات مرضی شخصیت می‌تواند پرخاشگری را در بزرگسالی پیش‌بینی کند.

## منابع

- ابوالمعالی، خ. و موسی زاده، ز. (۱۳۸۹). پرخاشگری: ماهیت، علل و پیشگیری. تهران: ارجمند.
- انیسی، ج.، مجیدیان، م. و گوهری کامل، ز. (۱۳۹۰). پایایی و روایی پرسش‌نامه پنج‌عاملی NEO (فرم کوتاه) در دانش‌آموزان. *مجله رفتار*، ۵(۴)، ۱۷-۱۸
- بشیری، ا. (۱۳۸۷). *سطح پرخاشگری و ارتباط آن با مؤلفه‌های شخصیت دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله قم
- فرازمند، ش.، محمدخانی، پ.، پورشهباز، ع.، و دولت‌شاهی، ب. (۱۳۹۶). نقش منابع بدرفتاری‌های عاطفی دوران کودکی در پیش‌بینی طرحواره‌های ناسازگار شرطی و غیر شرطی در بزرگسالی. *اندیشه و رفتار*، ۴۴ (۱۱)، ۳۷-۴۶
- محمدی، نورالله. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص‌های روانسنجی پرسش‌نامه پرخاشگری باس-پری. *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. ۴ (۲۵)، ۱۳۵-۱۵۱
- American Psychiatric Association. *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-5)*. Washington, DC: American Psychiatric Pub; 2013
- Anderson, C. A., & Bushman, B. J. (2002). Human aggression. *Annual review of psychology*, 53.
- Atkins, L. (2017). *Childhood Maltreatment and Adult Aggression: The Mediating Role of Maladaptive Schemas*. Miami University.
- Bernstein, D. P., Stein, J. A., Newcomb, M. D., Walker, E., Pogge, D., Ahluvalia, T. & Zule, W. (2003). Development and validation of a brief screening version of the Childhood Trauma Questionnaire. *Child abuse & neglect*, 27(2), 169-190.
- Buss, A. H., & Perry, M. (1992). The Aggression Questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63(3), 452-459.
- Calvete, E., & Orue, I. (2013). Cognitive mechanisms of the transmission of violence: Exploring gender differences among adolescents exposed to family violence. *Journal of Family Violence*, 28, 73-84.
- Dodge, K. A., & Pettit, G. S. (2003). A biopsychosocial model of the development of chronic conduct problems in adolescence. *Developmental Psychology*, 39, 349-3.
- Egan, V., & Campbell, V. (2009). Sensational interests, sustaining fantasies and personality predict physical aggression. *Personality and Individual Differences*, 47(5), 464-469.
- Fang, X., & Corso, P. S. (2007). Child maltreatment, youth violence, and intimate partner violence: Developmental relationships. *American Journal of Preventive Medicine*, 33, 281-290.
- Gibb, B. E., Alloy, L. B., Abramson, L. Y., Rose, D. T., Whitehouse, W. G. Donovan, P., Hogan, M. E., Cronholm, J., & Tierney, S. (2001). History of childhood maltreatment, negative cognitive styles, and episodes of depression in adulthood. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 425-446.
- Griffin, S. A., & Samuel, D. B. (2014). A closer look at the lower-order structure of the Personality Inventory for DSM-5: Comparison with the Five-Factor Model. *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 5(4), 406.
- Harper, F. W., & Arias, I. (2004). The role of shame in predicting adult anger and depressive symptoms among victims of child psychological maltreatment. *Journal of Family Violence*, 19(6), 359-367.
- Hart, E., & Ostrov, J. (2013). Functions of aggressive behavior and future functional impairment. *Early Childhood Research Quarterly*, 28, 683-691.
- Hund, A. R., & Espelage, D. L. (2006). Childhood emotional abuse and disordered eating among undergraduate females: Mediating influence of alexithymia and distress. *Child Abuse & Neglect*, 30, 24-30
- Kent, A., & Waller, G. (2000). Childhood emotional abuse and eating psychopathology. *Clinical Psychology Review*, 20(7), 887-903.
- Krueger, R. F., & Markon, K. E. (2014). The role of the DSM-5 personality trait model in moving toward a quantitative and empirically based approach to classifying personality and psychopathology. *Annual Review of Clinical Psychology*, 10, 477-501.
- Markey, P. M., & Markey, C. N. (2010). Vulnerability to violent video games: A review and integration of personality research. *Review of General Psychology*, 14(2), 82.
- Mills, P., Newman, E. F., Cossar, J., & Murray, G. (2015). Emotional maltreatment and disordered eating in adolescents: Testing the mediating role of emotion regulation. *Child Abuse & Neglect*, 39, 156-166.
- Naughton, A. M., Maguire, S. A., Mann, M. K., Lumb, R. C., Tempest, V., Gracias, S., & Kemp, A. M. (2013). Emotional, behavioral, and developmental features indicative of neglect or emotional abuse in preschool children: a systematic review. *JAMA pediatrics*, 167(8), 769-775.

- Ozdemir, Y., Vazsonyi, A. T., & Cok, F. (2013). Parenting processes and aggression: The role of self-control among Turkish adolescents. *Journal of Adolescence*, 36, 65-77.
- Sharma, A. (2011). Aggression in adolescents: inter play of family and school environment. *British Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(2), 121-133.
- Trickett, P. K., Noll, J. G., & Putnam, F. W. (2011). The impact of sexual abuse on female development: Lessons from a multigenerational, longitudinal research study. *Development and psychopathology*, 23(2), 453-476.
- Wheatley, A., Murrhy, R., Van Kessel, J., Wuthrich, V., Remond, L., Tuqiri, R., . . . Kidman, A. (2009). Aggression management training for youth in behaviour schools: A quasi-experimental study. *Youth Studies Australia*, 28(1), 29.
- White, C. R., English, D., Thompson, R., & Roberts, Y. H. (2015). Youth self-report of emotional maltreatment: Concordance with official reports and relation to outcomes. *Children and youth services review*, 62, 111-112.